

شرح الشواهد الشعرية

في كتاب جواهر البلاغة

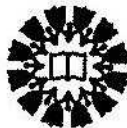
(قسم البديع)

محمد فاضلي

سيد محمد رضا ابن الرسول / أمير صالح معصومي

تهران

۱۳۹۳



سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)

مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی

سرشناسه: فاضلی، محمد، ۱۳۱۷-

عنوان و نام پدیدآور: شرح الشواهد الشعرية في كتاب جواهر البلاغة (قسم البديع) / محمد فاضلی، محمدرضا ابن الرسول، امیر صالح معصومی.

مشخصات نشر: تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: هشت، ۲۹۲ ص.

فروست: «سمت»: ۱۸۴۹. زبان و ادبیات عربی: ۴۷.

شابک: ۷-۰۹۴-۰۲-۶۰۰-۹۷۸-۸۰۰۰۰ ریال.

وضعیت فهرستنویسی: فیا

یادداشت: پشت جلد به انگلیسی: Mohammad Fazeli, Mohammad Reza Ebnorrasool,

Amir Saleh Masoomi. The Explanation of Poetic Citations in Jawāhir Al-Balāghah (Figures of Speech).

یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۸۷-۲۹۲.

یادداشت: نمابه.

موضوع: زبان عربی - بديع

شناسه افزوده: ابن الرسول، محمدرضا، ۱۳۴۶-

شناسه افزوده: معصومی، امیر صالح، ۱۳۶۰-

شناسه افزوده: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.

رده‌بندی کنگره: ۴ ش ۲ ف ۲۰۱۸/ PJA

رده‌بندی دیویی: ۸۰۸/۰۴۹۲۷

شماره کتابشناسی ملی: ۳۷۴۶۳۱۰

سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)

مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی



شرح الشواهد الشعرية في كتاب جواهر البلاغة (قسم البديع)

دکتر محمد فاضلی (استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد)، دکتر سید محمدرضا

ابن الرسول (دانشیار دانشگاه اصفهان) و امیر صالح معصومی

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۳

تعداد: ۵۰۰

حروفچینی و لیتوگرافی: «سمت»

چاپ: گلها (قم)، صحافی: زرین (قم)

قیمت: ۸۰۰۰۰ ریال. در این نوبت چاپ قیمت مذکور ثابت است و فروشندگان و عوامل

توزیع مجاز به تغییر آن نیستند.

نشانی ساختمان مرکزی: تهران، بزرگراه جلال آل احمد، غرب پل یادگار امام (ره)،

روبه‌روی پمپ گاز، کد پستی ۱۴۶۳۶، تلفن ۲-۴۴۲۴۶۲۵۰.

www.samt.ac.ir

info@samt.ac.ir

هر شخص حقیقی یا حقوقی که تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه ناشر، نشر یا پخش یا عرضه یا تکثیر یا تجدید چاپ نماید، مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

سخن «سمت»

یکی از هدفهای مهم انقلاب فرهنگی، ایجاد دگرگونی اساسی در دروس علوم انسانی دانشگاهها بوده است و این امر مستلزم بازنگری منابع درسی موجود و تدوین منابع مبنایی و علمی معتبر و مستند با در نظر گرفتن دیدگاه اسلامی در مبنایی و مسائل این علوم است.

ستاد انقلاب فرهنگی در این زمینه گامهایی برداشته بود، اما اهمیت موضوع اقتضا می کرد که سازمانی مخصوص این کار تأسیس شود و شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۶۳/۱۲/۷ تأسیس «سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها» را، که به اختصار «سمت» نامیده می شود، تصویب کرد.

بنابراین، هدف سازمان این است که با استمداد از عنایت خداوند و همت و همکاری دانشمندان و استادان متعهد و دلسوز، به مطالعات و تحقیقات لازم بپردازد و در رشته های مختلف علوم انسانی به تألیف و ترجمه منابع درسی اصلی، فرعی و جنبی اقدام کند.

دشواری چنین کاری بر دانشمندان و صاحب نظران پوشیده نیست و به همین جهت مرحله کمال مطلوب آن باید به تدریج و پس از انتقادهای و یادآوریهای پیاپی ارباب نظر به دست آید. انتظار دارد که این بزرگواران از این همیاری و راهنمایی دریغ نورزند و با پیشنهادهای اصلاحی خود، این سازمان را در اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی جمهوری اسلامی ایران یاری دهند.

کتاب حاضر برای دانشجویان رشته زبان و ادبیات عربی در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد به عنوان منبع کمک آموزشی دروس علوم بلاغی قابل استفاده است.

امید است که علاوه بر جامعه دانشگاهی، سایر علاقه مندان نیز از آن بهره مند شوند. از استادان و صاحب نظران ارجمند تقاضا می شود با ارسال انتقادهای و پیشنهادهای اصلاحی خود، این سازمان را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی جمهوری اسلامی ایران یاری دهند.

فهرس المحتويات

الصفحة	العنوان
١	بیش گفتار
٩	كلمة تمهيدية
١١	مقدمة علم البديع (شاهدان: ١-٢)
١٥	الباب الأول في المحسنات المصنوية (١٤٦ شاهدان: ٣-١٤٨)
١٥	١ - التورية (٦ شواهد: ٣-٨)
٢١	٢ - الاستخدام (٦ شواهد: ٩-١٤)
٢٧	٣ - الاستطراد (شاهدان: ١٥-١٦)
٢٨	٤ - الافتنان (شاهدان: ١٧-١٨)
٣٠	٥ - الطباق (شاهد واحد: ١٩)
٣١	٦ - المقابلة (٤ شواهد: ٢٠-٢٣)
٣٥	٧ - مراعاة النظر (شاهدان: ٢٤-٢٥)
٣٧	٨ - الإحصاء (شاهدان: ٢٦-٢٧)
٣٩	٩ - الإدماج (شاهد واحد: ٢٨)
٤٠	١١ - حسن التعليل (٢٢ شاهدان: ٢٩-٥٠)
٥٩	١٢ - التجريد (٣ شواهد: ٥١-٥٣)
٦٢	١٣ - المشاكلة (٣ شواهد: ٥٤-٥٦)
٦٤	١٤ - المزاج (شاهدان: ٥٧-٥٨)
٦٦	١٥ - الطي والنشر (٣ شواهد: ٥٩-٦١)
٦٩	١٦ - الجمع (٣ شواهد: ٦٢-٦٤)

- ٧٢ - ١٧ - التفريق (٤ شواهد: ٦٥ - ٦٨)
- ٧٦ - ١٨ - التقسيم (شاهدان: ٦٩ - ٧٠)
- ٧٨ - ١٩ - الجمع مع التفريق (شاهد واحد: ٧١)
- ٧٩ - ٢٠ - الجمع مع التقسيم (٣ شواهد: ٧٢ - ٧٤)
- ٨٢ - ٢١ - المبالغة (٧ شواهد: ٧٥ - ٨١)
- ٨٨ - ٢٢ - المغايرة (شاهدان: ٨٢ - ٨٣)
- ٨٩ - ٢٣ - تأكيد المدح بما يشبه الذم (٨ شواهد: ٨٤ - ٩١)
- ٩٦ - ٢٤ - تأكيد الذم بما يشبه المدح (٦ شواهد: ٩٢ - ٩٧)
- ١٠٢ - ٢٥ - التوجيه (٣ شواهد: ٩٨ - ١٠٠)
- ١٠٥ - ٢٧ - القول بالموجب (شاهد واحد: ١٠١)
- ١٠٧ - ٢٨ - ائتلاف اللفظ والمعنى (٣ شواهد: ١٠٢ - ١٠٤)
- ١١٠ - ٢٩ - التفريع (شاهدان: ١٠٥ - ١٠٦)
- ١١٢ - ٣٠ - الاستتباع (٤ شواهد: ١٠٧ - ١١٠)
- ١١٦ - ٣١ - السلب والإيجاب (٤ شواهد: ١١١ - ١١٤)
- ١٢١ - ٣٢ - الإبداع (شاهد واحد: ١١٥)
- ١٢٢ - ٣٣ - الأسلوب الحكيم (٤ شواهد: ١١٦ - ١١٩)
- ١٢٦ - ٣٤ - تشابه الأطراف (٤ شواهد: ١٢٠ - ١٢٣)
- ١٣١ - ٣٥ - العكس (٣ شواهد: ١٢٤ - ١٢٦)
- ١٣٤ - ٣٦ - تجاهل العارف (٣ شواهد: ١٢٧ - ١٢٩)
- ١٣٧ - تمرين (٧ شواهد: ١٣٠ - ١٣٦)
- ١٤٢ - تمرين آخر (٦ شواهد: ١٣٧ - ١٤٢)
- ١٤٥ - تطبيق عام على البديع المعنوي (٦ شواهد: ١٤٣ - ١٤٨)
- ١٥١ - الباب الثاني في المحسنات اللفظية (٦٣ شاهد: ١٤٩ - ٢١١)
- ١٥١ - ١ - الجناس (٣٥ شاهد: ١٤٩ - ١٨٣)
- ١٨٤ - ٤ - السجع (شاهد واحد: ١٨٤)

- ٥ - الموازنة (شاهد واحد: ١٨٥) ١٨٥
- ٧ - التشريع (شاهدان: ١٨٦ - ١٨٧) ١٨٦
- ٨ - لزوم ما لا يلزم (٣ شواهد: ١٨٨ - ١٩٠) ١٨٨
- ٩ - رد العجز على الصدر (٤ شواهد: ١٩١ - ١٩٤) ١٩١
- ١٠ - ما لا يستحيل بالانعكاس (شاهد واحد: ١٩٥) ١٩٥
- ١١ - المواربة (شاهد واحد: ١٩٦) ١٩٦
- ١٣ - التسميط (شاهدان: ١٩٧ - ١٩٨) ١٩٨
- ١٤ - الانسجام أو السهولة (شاهد واحد: ١٩٩) ١٩٩
- ١٥ - الاكتفاء (٦ شواهد: ٢٠٠ - ٢٠٥) ٢٠٠
- ١٦ - التطريز (شاهد واحد: ٢٠٦) ٢٠٥
- نموذج (٥ شواهد: ٢٠٧ - ٢١١) ٢٠٧
- الخاتمة في السرقات الشعرية وما يتبعها (٥٦ شواهد: ٢١٢ - ٢٦٧) ٢١٣
- أ - النسخ (٥ شواهد: ٢١٢ - ٢١٦) ٢١٣
- ب - المسخ (شاهدان: ٢١٧ - ٢١٨) ٢١٩
- ج - النسلخ (٤ شواهد: ٢١٩ - ٢٢٢) ٢٢٢
- ١ - الاقتباس (١٢ شواهد: ٢٢٣ - ٢٣٤) ٢٢٥
- ٢ - التضمين (١١ شواهد: ٢٣٥ - ٢٤٥) ٢٣٥
- ٣ - العقد (٣ شواهد: ٢٤٦ - ٢٤٨) ٢٤٧
- ٤ - الحّل (شاهد واحد: ٢٤٩) ٢٥٠
- ٥ - التلميح (٥ شواهد: ٢٥٠ - ٢٥٤) ٢٥١
- ٦ - حسن الابتداء (٦ شواهد: ٢٥٥ - ٢٦٠) ٢٥٦
- ٧ - التخلص (٣ شواهد: ٢٦١ - ٢٦٣) ٢٦٢
- ٨ - حسن الانتهاء (٤ شواهد: ٢٦٤ - ٢٦٧) ٢٦٥

سپاس و تشکر

سپاس خدای را که نعمت ارزانی بخشید و توفیق عنایت، تائیکی دیگر از آرزوهای دیرینه علمی به بار نشیند، طلیعه آن امروز پس از نقد و بررسی ها و وسواس های مسئولانه این جانب و همکارانش تابیدن گیرد و بر مشتاقان و نکته سنجان لبخند زند و آغوش گشاید.

نگارنده از صمیم قلب خوشحال است که این محصول علمی زمان بر، و این تلاش عمرکاه و خالصانه، چون دیگر کارهای قلمیش با محبت جناب

دکتر احمد احمدی

رئیس دانش پرور و شایسته سازمان سمت جامه نشر می پوشد؛ به همین روی تشکر عمیق خویش را از آن بزرگوار، و همچنین از همه کارکنان شریف آن نهاد دانشگاهی ابراز می دارد.

محمد فاضلی

پیش‌گفتار^۱

اهل فن با «جواهر البلاغه» آشنایند؛ زیرا این کتاب در طول حیات خود به سرعت در دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه، مجتمع‌های فرهنگی و مؤسسات ادبی سائر و دائر شد و بر اثر نظم و ترتیب خاص، روانی و سهولت عبارات، انبوه مثال‌ها و تمرینات، در دل‌ها نفوذ کرد، و در آغوش‌ها تنگ جای گرفت. چاپ‌های متعدده، افست‌های مختلف بی‌پروا و ترجمه‌های متنوع حرفی شتابزده آن، به صورت کلا و متاع کتاب‌فروشی‌ها، کتابخانه‌ها و نمایشگاه‌ها درآمد؛ اما متأسفانه نبض آن دقیق گرفته نشد و نارسایی‌هایش پنهان بماند. نوشتار حاضر ضمن گشودن در به روی این مسافر، به زدودن گرد و غبارش بر می‌خیزد، نبضش را لمس می‌کند، آسیب‌ها و نارسایی‌هایش را می‌نمایاند و خبر از چاره‌جویی می‌دهد.

آشنایی نگارنده با «جواهر البلاغه» تألیف «سید احمد هاشمی» به زمانی بر می‌گردد که دانشجوی سال دوم دانشکده الهیات تهران، رشته زبان و ادبیات عربی بود و درس بلاغت را با شادروان حاج سید محمد شیخ الاسلام داشت. از آنجا که ورودم به دانشگاه پس از تحصیل دروس حوزه و درک محضر بهترین استادان فنون مختلف صورت گرفت و در بلاغت، رسائل، کتب و حواشی متعدد دیده و آنها را با شوق و دقت بر زعمایش قرائت کرده بودم، کتاب مذکور از نظر اصل محتوا و نکته‌ها برایم گیرایی و تازگی نداشت. اما از جنبه‌های دیگر، دو واکنش متفاوت را سبب شد: یکی تحسین و تأیید؛ و دیگری نقد و مخالفت.

تحسین و تأیید از شیوه عرضه مطالب و سبک نگارش، از جمله:

الف: تقسیم مطالب، فصل‌بندی مباحث و تفکیک آنها از یکدیگر به صورت مطلوب؛

ب: شیوایی، روانی، سادگی و وضوح عبارات؛

ج: ارائه انبوهی از شواهد و تمرین‌ها که معمولاً در مقاطع خاصی خود به تقریر و تبیین بیشتر

۱. اصل این نوشتار پیش‌تر با عنوان «جواهر البلاغه در قرائتی تازه» در قالب مقاله‌ای منتشر شده است (مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، س ۳، ش ۸، پاییز و زمستان ۱۳۸۶ هـ. ش/۲۰۰۷م، ص ۷۸-۶۳). اینک با تغییراتی (کاستن بخش‌های مربوط به معانی و بیان، و افزودن روش ارائه مطالب کتاب) فراروی خوانندگان گرامی است.

می‌انجامد، و به تأمل و اعمال فکر دانشجویان؛

د: تدوین و چاپ کتاب در لباسی نو.

دیگر واکنش - که نقد و مخالفت بود - مسائل ذیل را در بر می‌گرفت:

الف: تمرین‌ها، صرف نظر از جنبه خاص صناعی آن، چه بسا فاقد پیامی اجتماعی، اخلاقی، یا ذوقی و هنری بودند.

ب: تمرین‌ها، از نظر درون‌متنی مثل خود نص علمی کتاب، از لغزش‌ها و خطاهای چشمگیر در امان نبودند.

ج: تمرین‌ها و شاهدها در مواردی با صورت مسأله انطباق نداشتند.

د: تمرین‌ها و شاهدها گاهی به هنگام نقل از مأخذ اصلی بر مؤلف بزرگوار یا نسخه‌نویسان مشتبه شده بود.

هـ: مؤلف محترم در حل برخی تمرین‌ها و بیان شاهدها به خطا رفته بود.

و: تمرین‌ها و شواهد شعری غالباً فاقد مأخذ و اسم سراینده بود.

این خلل‌ها و نقص‌ها گاه و بی‌گاه مرا وسوسه می‌کرد تا در صورت به دست آمدن فرصت مناسب در رفع آنها کوششی به عمل آورم. رمان دانشجویی به سرعت می‌گذشت. «جواهر» چاپ‌های متعدد را پشت سر می‌نهاد، و لغزش‌ها تکرار می‌شد و کتاب هم به عنوان مرجع درسی در دانشگاه‌ها و دیگر مؤسسات علمی و فرهنگی دست به دست می‌گشت ولی تحولی در جهت بهبود اشکالات به عمل نمی‌آمد. نگارنده هم زمانی که لباس دانشجویی را به کسوت استادی مبدل ساخت، هرچند از دیر باز دنبال فرصت بود تا قدمی بردارد، اما تدریس انبوه دروس مختلف که به قولی خود کشی استاد محسوب می‌شود و از سوی دیگر پرداختن به کارهای پژوهشی خاص، و کوچک به حساب آوردن کار جواهر باعث شد تا طرح مورد بحث در بایگانی ذهن از اولویت خارج شود و در تدریس کتاب «جواهر البلاغة» نیز به یادآوری خلل‌ها و نقص‌ها برای دانشجویان کلاس بسنده گردد. با گذشت ایام شمار چاپ‌های جواهر در خارج و داخل بالا می‌رفت، ترجمه‌های حرفی متعدد از متن اصلی کتاب با کاستی‌هایش به بازار می‌آمد، خلل‌ها و نقص‌ها چون لازمه جواهر به همان صورت اولیه تکرار می‌شد. در محافل و مجالس علمی و در برخورد با دانشگاهیان و دانشجویان، گاهی نرم و گاهی اعتراض‌آمیز با عبارت «چرا برای جواهر کاری نمی‌کنی؟» مرا مورد خطاب خود قرار می‌دادند؛ گویی مسئول ناپسامانی‌های کتاب من بودم یا اینکه برداشتن قدم مثبت را از من انتظار داشتند.

شرایط پیش آمده مرا بر آن داشت تا طرح «جواهر» را از بایگانی ذهن خارج کنم و در اولویت عمل قرار دهم و برای شروع کار روزشماری کنم. خوشبختانه به مفاد «إذا أراد الله أمراً هياً أسبابه» تلاش این جانب در راه‌اندازی دوره دکتری زبان ادبیات عربی دانشگاه فردوسی به بار نشست، و با گزینش متکی بر معیارهای دقیق علمی، دانشجویانی خوب به این مرحله راه یافتند. چون در دور دوم این مقطع، گروهی مشتاق و نستوه (به ترتیب حروف الفبا آقایان سیدمحمدرضا ابن‌الرسول، رضا افخمی‌عقدا، سیدحیدر فرح‌شیرازی، وصال میمندی، حسین ناظری)، به اضافه یک روحانی فاضل مستمع آزاد (امیر صالح معصومی) حضور داشتند و در ناصیه‌شان رساندن بار امانت را حدس زدم، شرایط عملی کار مورد نظر را فراهم دیدم و به آنان پیشنهاد دادم تا در حرکتی علمی که در پیش است، بازوی رام و پویای من باشند و مسئولیت‌پذیر؛ و به قول طغرایی: «فَقُلْتُ أَذْعُوكَ لِلْجَلِّيِّ لِلْضَّرْفِي».

در نتیجه، طرحی در مورد «جواهر البلاغة» با کوشش و تلاش و وسواس علمی این جانب و گروه مربوط، و حمایت مالی دانشگاه فردوسی مشهد، در مدت دو سال و اندی به اجرا در آمد و جامه تکمیل پوشید.

گفتنی است طرح مورد نظر با همه گستردگی‌اش، تمامی آنچه را در ذهن نگارنده نسبت به «جواهر» بود، پوشش نمی‌دهد، بلکه تنها به بخشی از شواهد شعری کتاب - که در درجه اول اهمیت قرار دارد و بیش از هزار مورد است - می‌پردازد. این شواهد در قالب مثال، تطبیق و تمرین در متن کتاب یا در حاشیه آن، عرضه شده‌اند که طرح مورد بحث عهده‌دار ارائه اطلاعات لازم تفکیک شده - از تبیین و توضیح تا نقد و تنقیح - در خصوص یکایک آن ابیات گردیده است. اینک به عنوان نمونه کار انجام گرفته، یکی از شواهد شعری «جواهر» در آینه «شرح الشواهد الشعرية في كتاب جواهر البلاغة» مطرح و پس از آن روش کار به تفصیل گزارش می‌شود:

(۹۵)

هُوَ الْبَدْرُ إِلَّا أَنَّهُ الْبُخْرُ زَاخِرًا سَوَىٰ أَنَّهُ الضَّرْعَامُ لِكِنَّهُ الْوَيْلُ

(المحسنات المعنوية، ۲۴ - تأکید الهم بیا شبه المدح، ص ۳۸۲، فی الهامش)

البحر: الطویل.

الشاعر: بديع الزمان الهمداني، أبو الفضل أحمد بن الحسين (٣٥٨ - ٣٩٨هـ). هذا وقد نُسب العشرون بيتاً من القصيدة - والشاهد فيها - إلى أبي الفتح البستي، علي بن محمد (٩ - ٤٠٠هـ)، وذلك ما لا تؤيده الكتب المعتمدة.

الرواية: البيت من قصيدة ذات ٤٦ بيتاً في مدح خلف بن أحمد الصفار السجستاني، أمير سجستان وكرمان:

(١) سَاءَ الدجى أما هذه الحدقُ النجلُ أ صَدُرُ الدجى حالٍ وجيدُ الضحى عَطُلُ
(٤١) ويا ملكاً أدنى مناقبه العُلى وأيسرُ ما فيه السباحةُ والبذلُ
(٤٢) هُوَ الْكُدُّ إِلَّا أَنَّهُ الْبَحْرُ زَاخِرًا سِوَى أَنَّهُ الضَّرْغَامُ لَكِنَّهُ الْوَيْلُ
(٤٣) محاسنٌ يُبديها العيانُ كما ترى وإن نحن حدثنا بها دَفَعَ الْعَقْلُ

هذا وقد روي «وبل» مكان «الوبل».

اللغة: الزاخر: المرتفع من تلاطم الأمواج. الضرغام: الأسد الضاري الشديد، والشجاع. الويل: المطر الغزير.

الإعراب: «أنه البحر» في محل نصب مستثنى في الاستثناء المنقطع، ويُعرب «سوى» أيضاً إعرابه. «زاخراً» حال من البحر. «أنه الضرغام» في محل الجر مضاف إليه.

الترجمة: أو ماء تمام است جز أنكه (افزون بر آن) دریاى خروشان است، جز آنکه (افزون بر این) شیر زیان است، لیک (افزون بر آن) باران فراوان است.

الشاهد: يُستشهد بالبيت لبيان أن الاستدراك الدال عليه لفظ «لكن» في باب تأكيد المدح بما يشبه الذم كالاستثناء في إفادة المراد. فالشاعر ههنا مدح بمدوحه أولاً بأنه كاليد ثم أتى بأداة الاستثناء موهاً في أنه يريد أن يذمه بشيء ولكنه زاد في مدحه وهكذا تابع كلامه بذكر أداة أخرى للاستثناء وأداة للاستدراك وإيراد صفتين في مدحه بعدهما. هذا وقد استشهد بالبيت في جواهر البلاغة ذيل تأكيد الذم بما يشبه المدح وهو خطأ، والصحيح أن يُذكر ذيل تأكيد المدح وبعد أن أورد: «وقد تقوم لكن مقام الاستثناء في هذا النوع».

المصادر: الإيضاح ٢٦٥؛ التلخيص ٩٩؛ جامع الشواهد ٣: ٣٠٣؛ [ال] شرح المختصر ٢: ١٨٠؛ المطول ٦٧٥؛ معاهد التنصيص ٣: ١١١؛ يتيمة الدهر ٤: ٣٤٤ (ذيل أبي الفضل الهمداني).

نمونه حاضر می‌تواند دورنمایی از محصول تلاش و مجاهدت‌هایی باشد که ظرف مدتی مدید در خصوص شواهد شعری «جواهر البلاغة» صورت گرفته و در حجمی وسیع و عظیم به زبان عربی - جز ترجمه ابیات - تدوین شده است.

روش تنظیم و ارائه مطالب

۱. نخست شواهد به ترتیب درج در کتاب شماره‌گذاری شده و شماره هر شاهد در میان دو کمان قرار گرفته است. در بخش بدیع کتاب جواهر البلاغة جمعا دویست و شصت و هفت (۲۶۷) شاهد شعری شناسایی شده است.

۱-۱. در ترتیب ابیات، ترتیب منطقی مطابق با ترتیب مطالب کتاب - و نه جایگاه قرار گرفتن شاهد در صفحات جواهر - مورد نظر بوده است. به عبارت دیگر اگر مطالب پانوش جواهر در صفحه‌ای مقدم بر مطالب متن صفحه پیشین است، شواهد پانوش در شماره‌گذاری مقدم بر شواهد آن متن در نظر گرفته شده است.

۱-۲. در طی این شماره‌گذاری اگر بیت شاهده‌ی بیش از یک بار تکرار شده باشد، شماره جدید می‌گیرد اما به شماره پیشین ارجاع داده می‌شود؛ در بخش بدیع کتاب جواهر نه (۹) شاهد شامل یازده (۱۱) بیت مکرر شده است (۲ و ۱۷۷، ۱ و ۱۳۲، ۱۱ و ۱۳۸، ۱۳ و ۱۴۱، ۳۷ و ۱۴۰، ۶۴ و ۱۳۹، ۶۹ و ۷۳، ۱۶۵ و ۱۷۵، ۲۰۹ و ۲۳۴).

۱-۳. همین شماره‌ها در فهرست مطالب و فهرست شواهد، ملاک بوده است.

۲. در مرحله بعد ضبط درست شاهد با حرکت‌گذاری کامل ارائه شده است.

۲-۱. در فرایند حرکت‌گذاری تقریباً هیچ حرفی مغفول واقع نشده است. تنها همزه وصل در میان عبارت، بدون حرکت رها شده است. حرف لام (در «ال») پیش از حروف شمسی نیز حرکتی ندارد چون در حرف بعد مدغم است. کسره زیر همزه قطع مکسور (إ) را هم نگذاشته‌ایم، چه امکان اشتباه در خوانش آن منتفی است. نیز فتحه پیش از الف مدی، کسره پیش از یاء مدی، و ضمه پیش از واو مدی را نگذاشته‌ایم، چون حروف مد در واقع خود مصوّت کشیده‌اند (مثل: فی)، ولی اگر مصوّت کشیده به علت اتصال به حرف ساکن در کلمه بعد به مصوّت کوتاه تبدیل شده باشد، آن فتحه و کسره و ضمه پیش از حروف مد را درج کرده‌ایم (مثل فی الکتاب). در الف مقصوره و نیز در کلماتی مثل «هذا»، «ذلك»، و «لکن» که الفشان حذف شده، از علامت الف

کوتاه که به الف خنجرى معروف است، استفاده کرده‌ایم.

۲ - ۲. امروزه در متون عربی، حرف واو عاطفه یا استثنافیه یا حالیه را متصل به کلمه بعد مى‌نویسند. ما تنها در ضبط شواهد این سنت را رعایت نکرده‌ایم که هیچ خلط و خطایی در تشخیص واژگان شاهد روی ندهد ولی در خصوص «وَهُوَ» و «وَهِيَ» به علت سکون حرف هاء، واو را متصل به آن نگاشته‌ایم.

۲ - ۳. نیم‌بیت‌ها را به صورت کامل آورده و نیم‌بیت تکمیلی را در میان دو قلاب نهاده‌ایم.

۲ - ۴. رجزها را به صورت معهود خود یعنی شطر به شطر زیر هم آورده‌ایم، هرچند در فهرست پایانی شواهد به صورت بیت درج شده است.

۲ - ۵. چند عبارت منثور در جواهر البلاغه به صورت منظوم (در دو مصراع کنار هم) آمده است که در میان شواهد شعری جای نمی‌گیرد؛ برای نمونه عبارت «لا أعطي زمامي من يخفر ذمامي ... ولا أعرس الأيادي في أرض الأعادي» که برگرفته از مقامه دمیاطیه حریری است، در پایان صفحه ۳۹۷ جواهر به خطا به صورت بیت نگاشته شده است. نیز عبارت منثور «رَجِمَ اللَّهُ مَنْ تَصَدَّقَ مِنْ فَضْلِ أَوْ أَسَى مِنْ كِبَافٍ، أَوْ أَكَّرَ مِنْ قَوْتٍ» در ضمن ابیات «تقرین آخر» در صفحه ۳۹۴، و عبارت «لَهُمْ فِي السَّيْرِ جَرِيَةُ السَّيْلِ وَ إِلَى الْخَيْرِ جَرِيَةُ الْخَيْلِ» که باز برگرفته از مقامه رملیه حریری است، در پانوشت صفحه ۳۹۹ به صورت بیت آمده است.

۲ - ۶. اگر ضبط جواهر خطای غیر قابل توجیه داشته باشد، صورت درست آن را آورده‌ایم ولی اگر ضبطی باشد که بتوان وجه صحتی برایش یافت، آن را عیناً آورده و در بخش روایت به خطای آن توجه داده‌ایم.

۳. در ذیل هر شاهد در میان دو کمان، نشانی دقیق آن در جواهر البلاغه آمده است. این نشانی شامل نام مبحث اصلی (مقدمه، محسنات معنویه، محسنات لفظیه و خاتمه)، شماره و نام مبحث فرعی، و شماره صفحه جواهر است و اگر شاهد در پانوشت - و نه متن - آمده باشد، با عبارت «في الهامش» بدان اشاره کرده‌ایم. آرایه‌های شماره ۱۰ (المذهب الكلامي) و ۲۶ (نفي الشيء بإيجابه) در قسمت محسنات معنوی، و شماره ۲ (التصحييف) و ۳ (الازدواج) و ۶ (الترصيع) و ۱۲ (اتلاف اللفظ مع اللفظ) در قسمت محسنات لفظی - چون شاهد شعری نداشته - در متن و فهرست نیامده است.

۴. سپس در بخش «البحر» وزن عروضی شاهد ذکر شده است. برای این بخش یکایک

شاهدها تقطیع عروضی شده و اگر نکته‌ای عروضی قابل ذکرى بوده، یادآور شده‌ایم.

۵. در بخش «الشاعر» پس از جست‌وجو نام کامل شاعر و تاریخ تولد و وفات وی در صورت احراز قید شده و اگر شاهد به کسانی دیگر منسوب باشد نیز نام آنها به همین شکل آمده است. برای این کار نخست اسم شهر و سپس نام کوچک و آنگاه در میان دو کمان سال تولد و وفات وی به هجری قمری درج شده است. سراینده و مأخذ برخی از شواهد شعری - به رغم جست‌وجوی گسترده در کتب بلاغی و نحوی و نرم‌افزارهای گوناگون - همچنان ناشناخته باقی ماند؛ در این موارد تعبیر «مجهول» را برای شاعر به کار برده‌ایم و همین‌جا از همه پژوهشگرانی که در بازه سراینده این دسته از شواهد اطلاعی دارند، صمیمانه درخواست می‌کنیم اطلاعات خود را برای چاپ‌های بعد در اختیار نویسندگان قرار دهند.

۶. در بخش «الروایة» شمار ابیات قصیده‌ای که شاهد را در بر گرفته و مناسبت سرایش قصیده و بیت مطلع آن و بیت قبل و بعد شاهد نقل شده و اگر اختلاف ضبطی در منابع بوده، گزارش گردیده است. نیز چنانچه گزارش تاریخی وجود داشته باشد که به دریافت بهتر شاهد کمک کند، روایت شده است. در همین بخش است که به خطاهای جواهر در نقل ابیات توجه داده‌ایم و البته ملاک ما چاپی است که در اختیار خود داشته‌ایم.

۷. در بخش «اللغة» واژگان و ترکیبات و تعابیر نامأنوس بیت - و روایت‌های دیگر آن - از کتب لغت و بیش‌تر المعجم الوسیط استخراج و آورده شده است.

۸. در بخش «الاعراب» نقش دستوری کلیات و ترکیبات - اگر نیاز به تأمل داشته - ذکر شده است.

۹. در بخش «الترجمة» کوشش شده برگردان فارسی شاهد به صورت روان و قابل فهم ارائه شود. نیز افزوده‌های ترجمه در میان دو کمان آمده است.

۱۰. در بخش «الشاهد» نخست معلوم شده است که شاهد شعری نمونه کدام مقوله بلاغی است و سپس تعریف اصطلاح آن مقوله از کتاب جواهر - و در صورت ناقص بودن از کتب بلاغی دیگر - آورده شده است. آنگاه محل استشهاد توضیح داده شده و مطالب جواهر البلاغه در صورت اشکال، مورد نقد قرار گرفته است. نیز از آنجا که این کتاب، یک کتاب مراجعه‌ای و نه مطالعه‌ای است و گمان این است که معلمان یا محققان یا متعلمان بلاغت در پی رفع ابهام خود از یک شاهد بدیعی به آن مراجعه می‌کنند، تعریف هر مقوله بدیعی را در شرح هر یک از شواهد آن مقوله، مکرر کرده‌ایم تا نیاز نباشد نخستین شاهد آن مقوله را بیابند و بدان رجوع کنند.

۱۱. در بخش «المصادر» بیش‌تر تکیه بر آن دسته از کتب بلاغی بوده که این بیت را به عنوان

شاهد در بحث مورد نظر یا در مقوله‌های بلاغی دیگر آورده‌اند. هر چند حتی المقدور از ذکر منابع لغوی ادبی و نحوی هم دریغ نشده است.

۱۱ - ۱. از ذکر نشانی شاهد در دیوان سراینده آن خودداری کرده‌ایم چه، اولاً به برخی از دواوین تنها از طریق نرم‌افزارهایی مثل الموسوعة الشعرية دست یافته‌ایم که صفحه‌شمار آنها مطابق نسخه چاپی نیست؛ ثانیاً یافتن بیت در اکثر قریب به اتفاق دواوین به سادگی امکان‌پذیر است.

۱۱ - ۲. با تأسی به سنت سلف، منابع و مآخذ شاهد صرفاً بر اساس نام کتاب - و نه نام مؤلف - مرتب شده است. در اینجا نام کتاب و شماره جلد و صفحه آن آمده و در خاتمه کتاب، مشخصات تفصیلی منابع و مآخذ قابل مشاهده است.

۱۱ - ۳. حتی المقدور از یادکرد منابع متأخر از جواهر البلاغة خودداری کرده‌ایم. البته اگر شاهد را در منابع متقدم یافته باشیم، منابع متأخر را هم از قلم نینداخته‌ایم.

۱۱ - ۴. اگر شاهد در کتب بلاغی به عنوان نمونه مقوله بلاغی دیگری ذکر شده باشد، نام آن مقوله را در دو کمان آورده‌ایم.

۱۱ - ۵. برخی شواهد را در هیچ منبعی نیافتیم و سپاسگزار پژوهشگرانی خواهیم بود که ما را در این باره یاری رسانند تا در چاپ‌های بعدی تکمیل و اصلاح شود.

۱۲. هر شاهد را پس از شرح با علامت سه ستاره از شاهد بعدی متمایز ساخته‌ایم. نیز در خاتمه کتاب، فهرست شواهد را بر اساس حرف روی به ترتیب حروف الفبا، و در هر حرف به ترتیب ورود در کتاب جواهر البلاغة ارائه کرده‌ایم.

*

در پایان به مقتضای «من لم يشكر الناس لم يشكر الله» بر خود فرض می‌دانم از همه دوستانی که ما را در فراهم آوردن این مجموعه یاری رساندند، سپاس‌گزاری کنم. از این میان به ویژه آقایان سیدحسین احمد‌دیباچی، سیدمهدی ابن‌الرسول و خانم مرضیه قربانخانی را به نام یاد می‌کنم.

سعیشان مشکور باد!
و هو خیر شاکر و مشکور
محمد فاضلی
مشهد / پاییز ۱۳۹۳